

دوتا ۳۰۶	تعلیم / ۷۸
	مَثَل‌های عیسی مسیح : سامری نیکو
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه درس‌ها ، فرصت خواهید یافت تا مَثَل‌های عیسی مسیح را درک نموده ، آنها را تعلیم دهید. با استفاده از " راهنمای تفسیر مَثَل‌ها " ، دو معلم ، مَثَل "سامری نیکو" را در لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷ بررسی خواهند نمود. این مَثَلی است در مورد محبت گسترده ، در ملکوت خدا. درحالی‌که به این برنامه گوش می‌دهید ، در دفترتان ، یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید.

(S) اجازه دهید لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷ را بخوانم: "یک یهودی از اورشلیم به شهر اریحا می‌رفت. در راه بدست راهزنان افتاد. ایشان لباس و پول او را گرفتند و او را کتک زده ، نیمه‌جان کنار جاده انداختند و رفتند. از قضا ، کاهنی یهودی از آنجا می‌گذشت. وقتی او را کنار جاده افتاده دید ، راه خود را کج کرد و از سمت دیگر جاده رد شد. سپس یکی از خادمان خانه خدا از راه رسید و نگاهی به او کرد اما او نیز راه خود را در پیش گرفت و رفت. آنگاه یک سامری آمد. وقتی آن مجروح را دید ، دلش به حال او سوخت. نزدیک رفت و کنارش نشست ، زخمهایش را شست و مرهم مالید و بست. سپس او را بر الاغ خود سوار کرد و به مهمانخانه‌ای برد و از او مراقبت نمود. روز بعد ، هنگامی که آنجا را ترک می‌کرد ، مقداری پول به صاحب مهمانخانه داد و گفت: از این شخص مراقبت کن و اگر بیشتر از این خرج کنی ، وقتی برگشتم ، پرداخت خواهم کرد."

(T) نکته ۱. درک داستان طبیعی مَثَل

بیاید به نوبت عناصری را که در داستان مطابق واقعیات زندگی روزمره‌اند ، توضیح دهیم.
اورشلیم برفراز کوهها قرار دارد ، در حالیکه ، اریحا در دره‌ای عمیق جای دارد و فاصله آن تا اورشلیم ۲۷ کیلومتر می‌باشد و ۱۲۰۰ متر پایین‌تر از سطح اورشلیم قرار دارد. جاده‌ای که بین این دو شهر قرار داشت بسیار سخت و پَرت بود. علاوه بر این ، سارقین و افراد جانی در غارهای آن ناحیه کوهستانی پنهان می‌شدند. این جاده به خطرناک بودن شهرت داشت.

(S) مسافری که از اورشلیم به سمت اریحا در حرکت بود ، فردی بود یهودی. اگر غیر از این بود عیسی حتماً خاطر نشان می‌کرد. سارقین به او حمله کردند ، او را احاطه کردند ، دار و ندارش را از او گرفتند ، او را تا حد مرگ زدند و نیمه‌جان را در جاده رهاش کردند.

(T) خانواده‌های زیادی از میان کاهنان در اریحا می‌زیستند و بنابراین اغلب از جاده بین اورشلیم و اریحا عبور می‌کردند. در این داستان کاهن به سمت پایین آمد ، بنابراین او حتماً پس از خاتمه یافتن وظایف کهنانت خود در اورشلیم به خانه باز می‌گشت. او آن مرد را که وسط جاده افتاده بود دید اما از کنار او عبور کرد و رفت. او مایل نبود خود را درگیر ماجرا کند. عیسی علت را نمی‌گوید. او شاید بهانه‌های متعددی داشت. مثلاً: "این مرد از ما نیست." یا اینکه "ممکن است در اثر تماس با این مرد نجس شوم." در هر حال او بهانه‌ای برای درگیر نساختن خود نداشت زیرا احکام عهدعتیق صراحتاً دستور می‌دهد انسانها نسبت به اشخاص غریبه و حتی دشمنان خویش رحیم باشند (لاویان ۱۹: ۳۴). شخص لاوی نیز که وظیفه‌اش این بود تا به کاهنان در حین انجام وظایف در معبد کمک کند ، از کنار دیگر رد شد. او نیز بهانه‌ای برای قصور ورزیدن در وظیفه اصلی خود ، یعنی نشان دادن رحمت به آن مرد بیچاره نداشت.

(S) سامریها و یهودیها با یکدیگر دشمن بودند و از هم نفرت داشتند (یوحنا ۴: ۹). از یک شخص سامری انتظار نمی‌رفت تا نسبت به یک یهودی مهربانی کند. اما دقیقاً همین اتفاق افتاد. هنگامی که مرد سامری آن شخص را دید که در جاده افتاده است ، دلش بحال او سوخت. او زخمهای آن مرد را با شراب ، که بعنوان ماده ضدعفونی‌کننده عمل می‌کرد ، شست (اول تیموتائوس ۵: ۲۳). آنگاه روغن بر زخمها مالید که بعنوان نوعی مرهم باعث کاهش درد می‌شد (اشعیا ۱: ۶). او مرد را بر الاغ خود گذاشت و شاید در کنار الاغ به راه افتاد و در راه مهمانخانه ، مراقب بود که آن بدن مصیبت‌کشیده از روی الاغ نیفتد. در مهمانخانه ، او وظیفه خود را تمام شده فرض نکرد ، بلکه شخصاً در تمام طول شب از مرد مراقبت کرد. همینطور در طی روز بعد او وظیفه خود را تمام شده نپنداشت بلکه به صاحب مهمانخانه پولی پرداخت کرد تا خرج یکی دو روز آن مرد در مهمانخانه تأمین باشد. او حتی قول داد تمام خرجهای اضافی را بعداً بپردازد.

(T) نکته ۲. بررسی چارچوب آبی و تعیین عناصر مَثَل

بیاید به نوبت چارچوب این مَثَل را توضیح دهیم.
"زمینه" مَثَل در لوقا ۱۰: ۲۵-۲۹ یافت می‌شود. یکی از خُبرگان احکام عهدعتیق تلاش کرد تا عیسی را شرمنده و خجل سازد. او سعی داشت به دیگران نشان دهد که عیسی قادر به ارائه پاسخ مناسب برای پرسشهای

دشوار نیست. پرسشی که او مطرح ساخت مهمترین پرسشی است که می‌توان پرسید: "انسان چه باید بکند تا حیات جاودانی را بدست آورد؟" این شخص خبره در احکام شریعت معتقد بود پاسخ این باید باشد: "تمام احکام را نگاه دار". عیسی بجای پاسخ دادن، خود پرسشی مطرح کرد: "در کتاب تورات، در این باره چه نوشته شده است؟" بنابراین عیسی موضوع را به سمت مطرح‌کننده پرسش برگرداند و او را وادار کرد تا به پرسشی که خود مطرح ساخته بود پاسخ دهد. عیسی با این کار به همه نشان داد که آموزه‌های جدید تعلیم نمی‌دهد، بلکه با جدیت تمام به اصول احکام مقدس خدا پایبند است.

(S) پاسخ آن مرد دانش‌آموخته تکرار دقیق تشبیه ۶: ۵ و لویان ۱۹: ۱۸ بود. این بخشها نشان می‌دهند که جوهر اصلی دین و مذهب واقعی در نشان دادن محبت نسبت به خدا و نسبت به همسایه خویش است. محبتی که نسبت به خدا است باید با تمام قلب و توانایی باشد. و محبتی که نسبت به همسایه نشان داده می‌شود نیز نباید در میزان یا کیفیت، از آن محبتی که انسان نسبت به خود دارد کمتر باشد. آنگاه عیسی به او فرمود: "تو نیز چنین کن تا حیات جاودانی داشته باشی." مقصود عیسی این بود: "اگر بطور کامل از این حکم متابعت کنی، یعنی بطور کامل خدا و همسایه‌ات را محبت کنی، حیات جاودانی را بدست خواهی آورد". مشکل در این اصل الهی نیست که اطاعت کامل به حیات جاودانی منتهی می‌شود (لویان ۱۸: ۵). مشکل در اینجا هم نیست که محبت کامل به حیات جاودانی منتهی می‌گردد. بلکه مشکل اصلی در آنجا است که به غیر از عیسی، حتی یک نفر هم در تاریخ پیدا نمی‌شود که توانسته باشد بطور کامل از احکام اطاعت کند یا بطور کامل محبت کند. مشکل این استاد شریعت آن بود که او هنوز تصور می‌کرد "می‌تواند با اطاعت ناقص خود، شایسته رسیدن به حیات جاودانی باشد". او به هیچ‌وجه متوجه نبود که خود تا چه حد غیرروحانی است و به غلامی به گناه فروخته شده است (رومیان ۷: ۱۴). او این مطلب را باور نداشت که حتی یک نفر هم یافت نمی‌شود که عادل باشد (رومیان ۳: ۱۰). ای‌کاش او به وجود گناهان خود و ذات گناه‌آلود خود اعتراف می‌کرد و فریاد بر می‌آورد: "خدایا، بر من گناهکار رحم فرما." (لوقا ۱۸: ۱۳). در آن صورت عیسی از او دعوت می‌کرد تا به پیام انجیل ایمان بیاورد (متی ۱۱: ۲۸). اشکال این مرد دانش‌آموخته آن بود که خود را بسیار دست بالا می‌گرفت و می‌خواست در نظر دیدگان دیگران خود را عادل بنمایاند.

(T) در بین یهودیان آرای بسیار متفاوتی در باره این سؤال وجود داشت: "همسایه من کیست؟". عده‌ای حکم خدا را با گفتن این مطلب تحریف می‌کردند: "همسایه خود را محبت کن و از دشمنان خود نفرت داشته باش". عیسی در متی ۵: ۴۳-۴۸ این تفسیر را رد کرد. نظری که گویا در سطح وسیع مقبول بود این بود: "همسایه خود، یعنی اسرائیلی‌ها را محبت کن". و فریسی‌ها حتی با تنگ‌نظری بیشتر به این تفسیر نگاه کردند و گفتند: "همسایه خود، یعنی فریسیان را محبت کن". استدلال آنها اینگونه بود: "مردم عامی چیزی از احکام شریعت نمی‌دانند، بنابراین زیر لعنت هستند." (یوحنا ۷: ۴۹). در نظر جامعه یهود ساکن در فمران، چنانچه کسی به گروه کوچک آنان تعلق نداشت "فرزند تاریکی" بود و بنابراین باید از او نفرت داشت. این استاد شریعت، با مطرح ساختن این سؤال که "همسایه من کیست؟" می‌خواست وجدان خود را آرام کند و همینطور عیسی را در برابر دیگران شرمزده سازد.

عیسی در پاسخ به سؤال او بود که مثل سامری نیکو را بازگو کرد.

(S) "داستان" مثل در لوقا ۱۰: ۳۰-۳۵ یافت می‌شود.
"توضیح یا کاربرد" در لوقا ۱۰: ۳۶-۳۷ یافت می‌شود.

(T) نکته ۳. تعیین جزئیات مربوط و نامربوط در مثل

قصد عیسی این نبود که تمامی جزئیات مثل‌هایش دارای مفهوم روحانی باشند. جزئیات مربوط یا اصلی در داستان مثل آن دسته از جزئیات هستند که درس اصلی مثل را استحکام می‌بخشند. بنابراین، نباید برای هر یک از جزئیات مثل، معنای روحانی مستقلی قائل شویم. امروز می‌خواهیم از "تفسیرهای نادرستی" که از مثل سامری نیکو انجام شده است، چند نمونه بیاوریم. سه تن از مسیحیانی که ذیلاً خواهند آمد، مطالب بسیار مفیدی نوشتند، اما آنها با این مثل بصورت تمثیلی برخورد کردند و به جزئیات مختلف آن معناه‌های خاصی اطلاق دادند، معانی که از چارچوب یا خود داستان نمی‌توان استنباط کرد. در نتیجه باید تفسیری را که آنها از این مثل انجام دادند رد کنیم.

اول. "یکی از پدران کلیسا بنام ایرانیوس" در قرن دوم بعد از میلاد مسیح می‌زیست. او این مثل را اینگونه تفسیر کرد: این مثل رابطه بین انسان و خدا را نشان می‌دهد. "انسان" در میان دزدها گرفتار شده بود، اما دل خدا بر او برحمت آمد و زخم‌هایش را بست. "دو سکه شاهی" نماینده حک شدن تصویر و زیرنوشت نام پدر و پسر از طریق روح‌القدس بر ایمانداران است تا آنها بتوانند هر آنچه را که به دست ایشان سپرده شده، به ثمر برسانند. این تفسیر تمثیلی را نباید پذیرفت.

(S) دوم. "یکی از پدران دیگر کلیسا، آگوستین نام داشت". او در قرن چهارم بعد از میلاد مسیح می‌زیست. او این مثل را همراه با جزئیات بیشتری تفسیر کرد و آن را به صورت رابطه بین انسان و خدا نشان

داد. "آن مرد" که از اورشلیم به سمت اریحا سفر می‌کرد، نماینده آدم بود که نماد بشریت است. "اورشلیم" آن شهر آسمانی است که سقوط کرده است. "اریحا" بر فناپذیری انسان دلالت می‌کند. "سارقان" نماینده شیطان و فرشتگان او می‌باشند که انسان را از جاودانه بودن محروم می‌سازند. "زخمهایی" که سارقان وارد آوردند، نشانه گناهای است که قرار است آموخته شوند. آن مرد بصورت "نیمه‌جان" رها شده بود، که نشانگر آن است که هر چند روح یا روانش زنده می‌باشد، اما آن بخش از انسان که به گناه آلوده است، مرده است. "کاهن و لاوی" نمایندگان عهدعتیق هستند، یعنی دوره‌ای که انسانها نمی‌توانستند نجات بیابند. "سامری" نماد عیسی مسیح است. "بستن زخمها توسط او" به معنای پاک کردن گناهان است. "روغن" تسلی امید نیکو است، در حالیکه، "شراب" مشوق عمل کردن با روحیه‌ای پر جوش و خروش است. "الاغی" که مرد را به مهمانخانه رساند، نماینده ذات انسانی عیسی مسیح است که به صورت آن به میان ما آمد. "سوار شدن بر الاغ" به معنای ایمان آوردن به جسم یافتن عیسی مسیح است. "مهمانخانه" نماینده کلیسا است، یعنی مکانی که مسافرانی که از زیارت خود به سمت سرزمین خود روانه‌اند در آنجا استراحت می‌کنند، و این سرزمین همان اورشلیم آسمانی. آن مرد را همچنان در مهمانخانه گذاشتند، زیرا هنوز در فرایند شفا قرار داشت. "مالیدن شراب و روغن" که در وهله اول در کنار جاده صورت پذیرفت، نماینده تعمید است و به قصد تقویت کردن شخص قربانی انجام شد. "روز بعد" یعنی زمانی که شخص سامری دو سکه نقره به صاحب مهمانخانه داد، نشانگر زمان بعد از برخاستن مسیح از میان مردگان است. "دو سکه نقره" را می‌توان یا بعنوان قصور کردن در دو حکم خدا برای محبت کردن خدا و همسایه خویش برداشت کرد، و یا آن را بعنوان وعده یافتن حیات در زمان حال و در زمان آینده معنی کرد. "وعده و قول شخص سامری برای بازگشت" باز می‌گردد به وعده عیسی در متی ۱۹: ۲۹ مبنی بر اینکه او به کسانی که همه چیز را برای متابعت از عیسی رها بکنند، صد برابر خواهد بخشید. او معتقد است که "صاحب مهمانخانه" پولس رسول است. نباید این تفسیر تمثیلی را پذیرفت.

(T) **سوم.** "اصلاحگر بزرگ کلیسا، مارتین لوتر" که در قرن شانزدهم می‌زیست. او این مثل را اینگونه تفسیر کرد: "مرد" نماینده آدم است که در گناه افتاد و گناه را به همه ما منتقل کرد. "سامری" نماینده عیسی مسیح است که ما را نجات می‌دهد و ما را بسوی "مهمانخانه" که نماینده کلیسا است، حمل می‌کند و اکنون به شفای ما می‌پردازد. با وجود این، لوتر در جایی دیگر این مثل را بصورت درست بکار می‌گیرد. او می‌گوید: "زمانی که همسایه خود را در احتیاج و خطر سخت ببینیم، نباید همانند آن کاهن و آن لاوی از کنارش رد شویم و بگذاریم او در همانجا از بین برود. تحت بهانه پاک نگاه داشتن روز سبت می‌توانیم قائل برادر خود باشیم".

(S) جزئیاتی که خواهند آمد واقعاً اصلی یا مربوط هستند. خود عیسی مسیح این مثل را بکار می‌بندد تا نشان دهد که خود چگونه نجات‌دهنده‌ای است و می‌خواهد ما نیز چگونه باشیم. او برای هیچیک از جزئیات این مثل معنای خاصی قائل نمی‌شود. بنابراین نباید بصورت تمثیلی با این مثل برخورد کنیم و برای هر یک از جزئیات آن معنای خاصی قائل شویم. این مثل درباره داستان نجات خدا، یعنی درباره رابطه خدا با انسان در طی قرون صحبت نمی‌کند. بلکه این مثل در مورد اراده خدا در خصوص انسانهای محتاجی تعلیم می‌دهد که او بر سر راه ما قرار می‌دهد. عیسی به کمک این مثل خواست به آن استاد شریعت و همچنین به ما نشان بدهد که همسایه واقعی شخص محتاج برآستی کیست. استاد شریعت بدرستی پاسخ داد: "آنکه به او ترحم نمود و کمکش کرد". " مسیحیان نباید به اطراف نگاه کنند و از خود بپرسند «همسایه من کیست؟»". و سپس به کند و کاو بپردازند که چه کسی همسایه ایشان است و چه کسی نیست. بلکه هر شخصی را که خدا با حاکمیت مطلق خود بر سر راه او قرار می‌دهد می‌تواند همسایه او باشد، همسایه‌ای که نسبت به او وظیفه‌ای دارد. " بنابراین یک مسیحی باید این پرسش را برای خود مطرح کند: «من برای چه کسی همسایه هستم؟ آیا برای افراد محتاجی که خدا بر سر راهم قرار داده است برآستی همسایه هستم یا نه؟»".

(T) **نکته ۴. تشخیص پیام اصلی مثل**

مثل سامری نیکو درباره "محبت گسترده در ملکوت خدا" تعلیم می‌دهد. پیام اصلی مثل عبارت از این است که: "زمانی که نسبت به شخص محتاجی که خدا بر سر راهم قرار داده رحمت نشان می‌دهم و از او مراقبت می‌کنم، آنگاه همسایه هستم". نکته اساسی، پاسخ عیسی به این پرسش است: "همسایه من کیست؟". عیسی بعنوان پاسخ، پرسش را طور دیگری مطرح می‌کند. او نمی‌پرسد: "همسایه من کیست؟"، بلکه می‌پرسد: "من برای چه کسی همسایه هستم؟" یا "من در چه مواقعی برای دیگران همسایه هستم؟". هنگامی که نسبت به شخصی که خدا بر سر راهتان قرار می‌دهد، رحمت نشان می‌دهید، آنگاه همسایه آن شخص هستید.

عیسی با افرادی که لباس روحانیت بر تن دارند، ضدیت ندارد. قصد او آن نبود تا علیه مقام کاهن یا لاوی سخنی بگوید، بلکه قصدش آن بود تا نشان دهد کوتاهی در نشان دادن محبت و رحمت می‌تواند از سوی هرکس، حتی از سوی یک کاهن یا لاوی صورت بگیرد. و او تعلیم می‌دهد که همه، حتی سامری منفور نیز باید نسبت به هر شخص نیازمندی که خدا بر سر او قرار می‌دهد، محبت گسترده و رحمت نشان بدهد. عیسی مخالف این تفکر است که مفهوم همسایه تنها به هموطنان یا دوستان محدود باشد (لاویان ۱۹: ۳۴ و متی ۵: ۴۳-۴۷).

"محبت گسترده" که برای مثال در نشان دادن رحمت نسبت به افراد محتاج می‌تواند بروز کند ، از ویژگی‌های اساسی ملکوت خدا است. انسانهای متعلق به ملکوت خدا که حیات جاودانه را بعنوان هدیه‌ای مجانی دریافت کرده‌اند ، سپاسگزاری خود را نسبت به خدا با در پیش گرفتن زندگی آکنده از محبت نسبت به او و همسایه خویش نشان می‌دهند. انسانهای متعلق به ملکوت خدا برای جلال او زیست می‌کنند. از آنجا که مسیحیان بر زمین کامل نیستند ، بنابراین بطور کامل و بی‌نقص همسایه خود را محبت نمی‌کنند. با این حال ، آنها می‌توانند در اتحاد با مسیح محبت کنند و در محبت رشد کنند. حکم خدا برای محبت کردن به او و محبت کردن به همسایه خویش ، هرگز باطل نشده است (رومیان ۱۳: ۸-۱۰).

(S) نکته ۵. مقایسه مثل با قسمت‌های مشابه و متضاد در کتاب مقدس

بعضی از مثلها مشابه یکدیگرند و قابل مقایسه می‌باشند. اما حقیقت موجود در تمام مثلها با حقیقتی که در سایر قسمت‌های کتاب مقدس تعلیم داده شده ، یا دارای تشابه است یا تضاد. سعی کنید مهم‌ترین قسمت‌های قابل مقایسه را که ما را در تفسیر مثل یاری می‌دهند ، بیابید. همیشه تفسیر مثل را با تعلیم مستقیم و واضح کتاب مقدس محک بزنید. استاد شریعت از عیسی پرسیده بود: "چه کنم تا حیات جاودانی را بدست بیاورم؟" رساله به غلاطیان پاسخ روشنی برای این پرسش ارائه می‌دهد.

غلاطیان ۳: ۱۲ می‌فرماید آنکه به احکام شریعت عمل می‌کند در آنها زیست خواهد نمود. چنانچه انسان می‌توانست در عمل ، همسایه خوبی باشد و این را بدون نقص بجای آورد ، و اگر می‌توانست در عمل خدا را همراه با عشقی کامل و بی‌نقص محبت کند ، آنگاه او عملاً می‌توانست حیات جاودانی را دریافت کند.

با وجود این ، غلاطیان ۲: ۱۶ می‌فرماید: "هیچکس هرگز با حفظ احکام شریعت ، نجات و رستگاری نخواهد یافت." هیچکس جز عیسی ، همسایه کاملی نبود و خدا را کامل محبت نکرد. نشان دادن چنین محبتی کامل نسبت به خدا و همسایه ، بر این زمین گناه‌آلود امکان‌ناپذیر است.

غلاطیان ۳: ۶-۹ می‌فرماید: "مسیح ، ما را از لعنت شریعت آزاد کرد چونکه خود در راه ما لعنت شد." گرچه حتی یک نفر هم در تمام تاریخ عالم یافت نشد که بتواند به الزامات احکام خدا تحقق بخشد ، اما عیسی مسیح توانست این کار را انجام بدهد. او کاملاً مطیع بود و بنابراین باعث تحقق احکام خدا گردید. او با زندگی کاملاً مطیعانه خویش و با قربانی کردن خود بجای ما بر روی صلیب ، برای ما آن کاری را انجام داد که خود ما هیچگاه قادر به انجامش نبودیم.

غلاطیان ۳: ۶-۹ تعلیم می‌دهد ، بدین ترتیب هرکس که به عیسی مسیح ایمان بیاورد در نظر خدا کاملاً عادل محسوب می‌شود و خدا مطابق با همین نظر با او رفتار می‌کند. به همین دلیل ما مسیحیان همواره بطور صادقانه اعتراف می‌کنیم که با توسل به اعمال خود قادر به تحقق احکام خدا نمی‌باشیم. عیسی مسیح بجای ما به احکام خدا تحقق بخشید و از طریق روح مسیح که در ما زیست می‌کند ، ما خدا و همسایه خویش را محبت می‌کنیم.

(T) نکته ۶. خلاصه تعالیم اصلی مثل

بیابید تعالیم یا پیامهای اصلی مثل سامری نیکو را خلاصه کنیم. این مثل به ما می‌آموزد که خدا از ما می‌خواهد چگونه باشیم و چگونه عمل کنیم. ما با نشان دادن محبت ، سپاسگزاری خود را نسبت به نجاتی که از طریق فیض خدا دریافت کرده‌ایم ، ابراز می‌کنیم. بجای در پیش گرفتن روشی که حاکی از "حالتی منفعل که ضرری متوجه کسی نمی‌سازد" ، باید در عمل نسبت به دیگران محبت نشان بدهیم. بجای در پیش گرفتن حالتی از "بی‌تفاوتی سرد" نسبت به عیسی مسیح ، باید عشق خود را برای او جاری بسازیم. بجای "نگاه داشتن احکام و داشتن احساس حق‌به‌جانب منفی" باید با تمام وجود ، عشق خود را نسبت به خدا ، و همچنین رحمت خود را نسبت به هر آنکه خدا بر سر راهمان قرار می‌دهد ، نشان بدهیم. ما قادر به انجام این کار هستیم ، زیرا او ما را نجات داده است. و ما این کار را انجام می‌دهیم زیرا برای نجاتی که در زمان ایمان آوردن از طریق فیض به ما بخشیده شد ، شکرگزار و سپاسگزار هستیم.

(S) تکلیف برای هفته آینده

- اول. برای یک فرد یا یک گروه این مثل را موعظه کنید ، تعلیم دهید یا بررسی نمایید. هفته آینده مثل "جاهای اشغال شده" را بررسی خواهیم کرد. برای آمادگی ، لوقا ۱۴: ۷-۱۴ را مطالعه کنید.
- دوم. کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم
- سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید .